

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۱۸ جولای ۲۰۲۲

افغانستان جولانگه اشغالگران و جنگ طلبان

(بخش پنجم)

در سال ۱۳۷۳ش (۱۹۹۴م) در فرایند جنگ‌های داخلی افغانستان، گروه ۳۰ نفره‌ی به نام طالبان در منطقه قندهار ظهور کرده و در مدت کوتاهی، به نیروی چند هزار نفری تبدیل شد و تا اواخر سال ۱۹۹۶م، جنگجویان آن به حدود ۳۵ هزار نفر رسید.

این گروه با استفاده از اوضاع آشفتۀ داخلی و کمک کشورهای خارجی توانستند در مدت دو سال، حکومت برهان‌الدین ربانی در کابل را در سال ۱۳۷۵ش (۱۹۹۶م) ساقط نموده و حکومت طالبان را با عنوان «امارت اسلامی افغانستان» به رهبری «ملا محمد عمر» تشکیل دهند.

برخی از کشورهای منطقه همچون عربستان، پاکستان و امارات متحده عربی بلافاصله حکومت طالبان را به رسمیت شناخته و به حمایت از آن پرداختند. طالبان دختران را از درس خواندن و زنان را از کارهای اجتماعی محروم کردند و به قتل عام شیعیان هزاره پرداخته و با اهل سنت تاجیک و ازبک رویکرد خصمانه‌ای داشتند.

طالبان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ بر بیش از نود درصد از خاک افغانستان حکومت کردند تا این‌که حادثه ۱۱ سپتامبر در امریکا اتفاق افتاد. متهم اصلی این حادثه، القاعده معرفی شد و به خاطر حضور اسامه بن‌لادن، رهبر القاعده در افغانستان، امریکا به این کشور لشکرکشی نموده و حکومت طالبان را ساقط کردند، اما طالبان هیچ‌گاه از بین نرفت و هر روز توانست سرزمین‌های بیش‌تری را به تصرف خود درآورد. مطابق نقشه‌ای در سال ۲۰۱۷ میلادی حدود ۵۰ درصد از خاک افغانستان در دست طالبان بود و هر روز از اعتبار و جایگاه دولت حامد کرزی و اشرف غنی کاسته شده و به اعتبار طالبان اضافه می‌شد.

امریکا که برای حضور خود در افغانستان هزینه فراوانی کرده بود، اما نتوانست به اهدافش برسد و هر روز ضعیف‌تر شد. به همین علت طرح صلح با طالبان را در دستور خود قرار داد و اعلام کرد از ۱۱ ثور [اردیبهشت] تا ۲۰ سنبله [شهریور] ۱۴۰۰ تمام نیروهای خود را از افغانستان خارج می‌کند. طالبان که مترصد فرصت بود، عزم خود را جزم کرده تا دوباره حکومت کابل را از آن خود کند. لذا در عرض کمتر از یک ماه از قندهار خود را به کابل رساند و با فرار اشرف غنی رئیس‌جمهور افغانستان، عملاً در پایان اسد [مردادماه] ۱۴۰۰ شمسی حکومت دوباره به دست طالبان افتاد.

طالبان پیشروی‌های نظامی گسترده‌ای در شهرستان‌های این کشور را آغاز کرده‌اند به طوری که حتی کارشناسان امریکائی نیز از احتمال سقوط کابل به دست طالبان ظرف یک سال آینده پس از خروج نظامیان امریکائی از این کشور، خبر می‌دهند. این گروه در چند ماه گذشته توانسته است بیش از ۴۰ ولسوالی [شهرستان] از ۴۰۰ ولسوالی افغانستان را تصرف کند؛ اما تحولات افغانستان به این سادگی‌ها هم نیست.

طالبان هر شهر و روستا و منطقه‌ای را به تصرف خود درمی‌آورد بلافاصله اجرای قوانین شریعت را برای مردم آن‌جا اجباری می‌کند. برای نمونه به ضمیمه همین مطلب توجه کنید.

افغانستان از نظر اقلیمی سرزمینی کوهستانی و بی‌ساحل است. محور رشته کوه‌های هندوکش که از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده است، سدی استوار میان نواحی شمالی و جنوبی این کشور می‌سازد.

بیشتر کوه‌های افغانستان خشک است و از این رو، گذشتن از آن برای وسایل نقلیه آسان نیست. مهندسان شوروی و کارگران افغان در سال ۱۹۶۴ نقبی در دل این حصارهای سر به فلک سائیده کوهستانی باز کردند. این تونل با طول ۲/۷ کیلومتر در ارتفاع ۳۶۳/۳ متری از سطح دریا از زیر دره سالنگ در ۸۰ کیلومتری شمال کابل می‌گذرد. این شاهراه پایتخت افغانستان را به سرزمین روسیه نزدیک کرده است.

ارتباط این کشور با خارج بیش‌تر از راه پاکستان، که افغانستان با آن مسائل ملی-سیاسی جدی دارد، انجام می‌گیرد. ویژگی اقلیمی دیگر افغانستان این است که دامداری و کشاورزی در اقتصادش اهمیت نخستین دارد. تولید موادغذائی مانند گندم، گوشت گوسفند و لبنیات به اندازه‌ای است که برای گذران زندگی مردم این کشور به‌طور سنتی تکافو می‌کند. جمعیت این کشور از عناصر گوناگون مرکب است و بیش‌تر تیره‌های عمده مردم افغانستان برای نمونه، جمعیت پشتون‌ها در ایالت مرزی شمال غرب پاکستان همسان مردمی از این تیره است که در افغانستان سکنی دارند. قبایل تاجیک، ازبیک، و ترکمن در بخش شمالی افغانستان از همان ملیت اند که هر یک جمهوری خاص خود را در بخش آسیای میانه شوروی دارند. هزاره‌ها با اکثریت شیعه مردم ایران اشتراک مذهبی دارند.

از آغاز تشکیل حکومت در افغانستان در سال ۱۷۴۷ حکمرانی این کشور در دست پشتون‌های درانی بود. سدوزائی و محمدزائی دو طایفه ممتاز از این پشتونها بودند. یکی از گروه‌های عمده ستیزه‌جوی اینان غلزائی‌ها هستند که تره‌کی و امین، رهبران کودتای ۱۹۷۸، از آن‌ها برخاستند. این غلزائی‌ها کوتاه‌زمانی زمام حکومت را در دست داشتند، اما هر دو به مرگی نابهنگام درگذشتند.

برکناری محمد ظاهرشاه در سال ۱۹۷۳ و کشته شدن شاهزاده داوود رئیس جمهور افغانستان در سال ۱۹۷۸ اقبال سیاسی طایفه محمدزائی را یک‌سره به افول کشاند. افغانستان، همچون دیگر کشورهای خاورمیانه، یک طبقه حاکم جا افتاده با بنیادهای حکومتی ندارد و از این رو گروه و دستگاهی نیست که جای طایفه محمدزائی را در حکومت بگیرد. حکومتی که در سال ۱۹۷۸ به القاء و حمایت شوروی روی کار آمده، بیش‌تر خلأ قدرت به وجود آورد.

افغانستان در عین حال، همیشه به عنوان دروازه‌ای برای تلاقی رقابت قدرت‌های بزرگ بوده است. رقابت قدرت‌های بزرگ همواره بر تحولات داخلی افغانستان تأثیر گذاشته و در مواردی نیز از آن تأثیر پذیرفته است.

قدرت‌های بزرگ جهان، همواره در راستای منافع خود و تعقیب اهداف ستراتیژیک شان، کشورهای مختلف را مورد حملات نظامی قرار خود قرار می‌دهند.

دولت-ملت‌سازی یکی از سیاست‌های عصر مدرن است و از معاهده صلح وستفالی در اروپا سرچشمه می‌گیرد. کشورهای جهان به طور کلی دو مدل را برای دولت - ملت‌سازی طی می‌کنند. مدل از پائین به بالا یا مدل اروپائی و مدل از بالا به پائین یا مدل امریکائی. در مدل اول ابتداء یک ملت شکل می‌گیرد سپس دولت خود را تأسیس می‌کند و در

مدل دوم ابتداء یک دولت تشکیل می‌شود بعد ملت خود را سازماندهی می‌کند. سایر مدل‌ها که برخی از آن‌ها نام می‌برند نهایتاً به یکی از این دو مدل منتهی می‌شود. از کشور افغانستان در مورد فرآیند دولت-ملت‌سازی، به عنوان کشور های ناکام یاد می‌شود.

بدین ترتیب اکنون نظریه دولت - ملت به شدت زیر سؤال رفته و به یک مانع بزرگ در راه پیشرفت اجتماعی و فرهنگی بسیاری از شهروندان و به کابوس انسان‌ها و نیروهای آزادی‌خواه و برابری‌طلب و جهان‌شمول تبدیل شده است.

آیا برای نمونه اقدامات حاکمیت تاکوننی امریکا در راستای دولت - ملت‌سازی به نفع بشریت بوده است یا نه؟ دولت- ملت به لحاظ لغوی یک موجودیت مستقل تحت سلطه یک ملت واحد است. معنای آن در تلاقی دو اصطلاح تشکیل دهنده آن یعنی دولت و ملت نهفته است. دولت به سازمانی سیاسی اشاره می‌کند که هم در درون مرزهای جغرافیائی و هم در رابطه با سایر موجودیت‌های مستقل اعمال حاکمیت می‌کند. (فرهنگ علوم سیاسی اکسفورد، ۱۳۸۱: ۵۴۲) و مربوط به قرون بعد از ۱۶ و ۱۷ میلادی است. چرا که اغلب تا قرون قبل از قرن شانزدهم، امپراتوری‌های جهان‌گشا، بر مبنای فتوحات و سازمان‌های مذهبی تشکیل شده و دارای ویژگی‌های متفاوت از دولت- ملت‌های امروزی بودند. چون در آن زمان تلقی از دولت و ملت متفاوت بود؛ چرا که به جای ملت بیش‌تر به هویت‌های هم‌گون ملی و یا پیروان یک دین واحد تأکید می‌شد.

اما دولت- ملت شکلی از نظام سیاسی است که بعد از قرن شانزدهم از میان سیستم فئودالی برخاسته و به عنوان الگوی جدید سیاسی جهان گستر شده است. در سیستم جدید که دولت-ملت‌ها به عنوان نگرش جدید سیاسی سر بیرون می‌آورند، فرض اساسی بر این استوار است که ملت به عنوان یک اجتماع انسانی که دارای مشترکات فراوان تاریخی- فرهنگی هستند و در درون مرزهای تعریف شده سیاسی به نام دولت زندگی می‌کنند. برای همین نیز دولت‌های ملی در جهان امروز، از بستر دولت- ملت پدید می‌آیند که به صورت عالی‌ترین نظام سیاسی شناخته شده و تمام الزامات و تعهدات حقوق بین‌المللی میان این واحدهای سیاسی به نام دولت، بر قرار می‌شود. در حالی که این رابطه دوسویه نبوده و تنها به برخی مشترکات تاریخی، سرزمین مشترک، تأکید می‌شود.

مهم‌تر از همه دولت- ملت‌سازی روندی است که یک جامعه تمام قدرت سیاسی و اجتماعی خود را به یک دولت واگذار می‌کند و یا دقیق‌تر بگوئیم دولت از بالای سر ملت ساخته می‌شود و قوانین خود را وضع می‌کند و ملت اجباراً باید از این قوانین تبعیت کند. دولت از طریق انباشت قدرت به ویژه ارتش و پولیس و سازمان‌های امنیتی و توسعه ظرفیت خود، حاکمیت و قدرت خود را کسب، حفظ و ارتقاء می‌دهد.

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد مدل دولت- ملت‌سازی از بالا به پائین، برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم در المان و جاپان به کار گرفته شد. در این مرحله امریکا اقدام به دولت‌سازی در این دو کشور کرد.

بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد امریکا به عنوان تنها ابرقدرت و بر اساس قدرت مسلط خود، در راستای نظم نوین جهانی و حاکم کردن مدل سیاسی امریکائی در جهان به روش‌های مختلف کمک اقتصادی، برنامه‌های فرهنگی، نظارت در انتخابات، مداخله نظامی و اشغال، اقدام به ایجاد ساختارهای جدید و متناسب با سیاست‌های خود پرداخته است. برای همین نیز عملیات امریکا در المان و جاپان (پس از جنگ جهانی دوم)، سومالی، هاییتی، بوسنی، کوزوو را می‌توان مهم‌ترین تلاش‌های امریکا در راستای دولت- ملت‌سازی از بالا به پائین نام برد. بعد از تجربه المان و جاپان بعد از جنگ جهانی دوم و تجربه بالکان در دهه ۱۹۹۰، حضور ائتلاف جهانی به رهبری امریکا در افغانستان

در سال ۲۰۰۱ را باید سر آغاز تجربه نوینی از این مدل در افغانستان دانست. امریکا برای خود نقش رهبری‌کننده و هژمونیک در جهت تأمین امنیت و نظم جهانی قایل شد.

با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر فرصت مناسبی برای نقش‌آفرینی نومحافظه‌کاران به وجود آمد تا به تئوریزه کردن سیاست مبتنی بر قدرت و اعاده دوباره هژمونی امریکا در فضای جدید شد و به شیوه خود به دولت-ملت‌سازی بپردازند. افغانستان با توجه به آن‌که نزدیک به سه قرن از تأسیس این کشور می‌گذرد، اما همچنان دولت را دنباله قبیله‌گرایی می‌داند. از این رو امریکا تلاش کرده که برای این کشور دولت‌سازی کند.

با فروپاشی امپراتوری‌ها، دولت‌های جدیدی شکل گرفتند در ادامه جوامع بشری با ظهور فاشیسم و نازیسم مواجه شد. منطقه خاورمیانه به دلیل موقعیت جغرافیائی خود به عنوان پلی بین بحیره مدیترانه و اقیانوس هند و شاهراه ارتباطی جهان که سه قاره آفریقا، اروپا و آسیا را به هم متصل می‌کند. علاوه بر موقعیت ژئوپلیتیک، خاورمیانه محل ظهور همه ادیان به اصطلاح «الهی» بوده و از قدیم نزاع‌های ایدئولوژیک و مذهبی و فرقه‌ئی و قبیله‌ئی در این منطقه رایج بوده است.

اکنون در غیاب دولت - ملت افغانستان دولت‌های قدرتمند منطقه و جهان با طالبان مذاکره می‌کنند که افغانستان را بار دیگر به این گروه تروریستی - اسلامی واگذار کنند به معنای واقعی نظریه دولت - ملت چه قدر افتضاح و پوچ و بی‌معنی شده است!

البته نظریه دولت - ملت را باید جداگانه و همه‌جانبه مورد بحث و بررسی قرار داد از این رو هدف در این جا فقط اشاره‌ای به این نظریه ضدانسانی است.

یکشنبه بیست و ششم سرطان - تیر - ۱۴۰۱ - هفدهم جولای ۲۰۲۲

ضمیمه:

امارت اسلامی افغانستان

کمیسیون فرهنگی امارت اسلامی افغانستان ۱۴۴۲/۱۱/۳۰ هـ.ق

اعلامیه امارت اسلامی در پیوند به عقد نکاح دختران جوان و زنان بیوه با مجاهدین امارت اسلامی افغانستان

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته!

چنان‌که دنیا شاهد است مجاهدین فی‌سبیل‌الله امارت اسلامی افغانستان با عزم و اراده ناب اسلامی، جهاد را در مقابل اشغالگران خارجی و دست نشانده‌های آن‌ها به پیروزی رسانیده‌اند به‌خصوص مجاهدین امارت اسلامی در ولایت بدخشان، تخار توانسته‌اند بیش‌ترین نقاط و ولسوالی‌های ولایات شمال را فتح کرده و الحمدلله اسلام عزیز را پیاده و عملی نمایند. بناءً در حال حاضر برای این‌که ریشه جهالت و بی‌دینی و همچنین مشکلات اجتماعی جوانان از این ولایات به‌طور کلی برداشته شود مسئولین امارت اسلامی به تمام مردم این ولایات به‌خصوص اربابان قوم، ملک‌های قریه‌ها و ملا امامان مساجد امر می‌نمایند تا لیست دختران جوان که بالاتر از ۱۵ سال سن دارند و خانم‌های بیوه که سن‌شان از ۴۵ سال پایین‌تر است را به کمیسیون فرهنگی مجاهدین امارت اسلامی تسلیم نمایند. ان شاءالله این خواهران به نکاح شرعی مجاهدین آمده و غرض فراگیری دروس ناب اسلامی و پذیرفتن اسلام عزیز به‌طور کامل به وزیرستان و مدارس اسلامی انتقال خواهند شد.

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (٩٥) دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (٩٦) سوره نساء

ترجمه: مؤمنان خانه‌نشین که زیان ندیده‌اند با مجاهدین که با مال و جان خود در راه الله متعال جهاد می‌کنند یکسان نمی‌باشند خداوند کسانی را که با مال و جان خود جهاد می‌کنند بر خانه‌نشینان برتری داده است و الله متعال همه را پاداش نیکو داده است ولی مجاهدان را بر خانه‌نشینان پاداشی بزرگ برتری بخشیده است. (٩٥) (پاداش بزرگی که) به عنوان درجات و آمرزش و رحمتی از جانب او (نصیب آنان می‌شود) و خدا آمرزنده مهربان است. (٩٦)

با احترام

کمیسیون فرهنگی امارت اسلامی افغانستان

ادامه دارد.